بررسی رانت و مبارزه با رانت‌خواری ازمنظر نهج البلاغه

سید اسدالله حسینی[۱]

چکیده

رانت، رانت‌خواری وفساد را هرعقل سلیمی نکوهش می‌کند، جامعه ای که در آن رانت و رانت‌خواری رواج داشته باشد آن جامعه دچار نابسامانی‌هایی در ابعاد اقتصادی، اخلاقی وسیاسی خواهد شد، در نتیجه از عقب ماندگی همه جانبه در عرصه های مختلف رنج خواهد برد. واژه رانت یک واژه جدیدی است، اما محتوا ومفهوم آن نه تنها جدید نیست بلکه قدمت چند هزار ساله دارد و به مفهوم دستیابی به درآمد بدون کار و تلاش وسوء استفاده شخصی از موقعیت‌های که متعلق به عموم مردم است.

پدیده رانت که یک آسیب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چارچوب یک نظریه از ناحیه دانشمندان غربی امروزه مطرح شده است، حضرت علی(ع) آن را صدها سال قبل نفی کرده و آثار مخرب آن را بیان نموده است و راه‌های مبارزه با آن را نیز در عمل اجرایی کرده است؛ لذا هدف نویسنده از نوشتن این مقاله بررسی رانت و رانتخوای از منظر نهج البلاغه بوده ودر متن مقاله مسأله رانت، مفهوم و راه‌های مقابله با آن را ارائه نموده است.

تحقیق حاضر به بررسی رانت، تاریخچه، تعریف، آثارمنفی اقتصادی، عوامل به وجود آوردن و راه‌های مقابله با آن و خصوصاً چگونگی برخورد امام علی(ع) با این پدیده اقتصادی از منظر نهج البلاغه پرداخته است.

واژه‌گان کلیدی: نهج البلاغه، رانت، رانت خواری، امام علی(ع).

---

۱ . دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی(ص) العالمیه- Asadallahhoseni۲@gmail.com

مقدمه

پدیده رانت‌خواری در دل یک دولت وجامعه درهر عصری رخ می‌دهد؛ رانت‌خواری یک نوع سوء برداشت از موقعیت‌های سیاسی واجتماعی است، خلفای اموی وعباسی بزرگترین رانت‌خواران تاریخ بوده اند وبیشترین سوءاستفاده از موقعیت سیاسی را کرده اند، روش مبارزه امیرالمؤمنین علی(ع) به‌عنوان حاکم اسلامی با این پدیده شوم در تمامی اعصار قابل استفاده است. امروزه نیز رانت برای جامعه بشری یک معضل است. البته رانت خواران افرادی محدودی هستند که از طریق ابزاری که دیگران به آن دسترسی ندارند، (قدرت سیاسی، وابسته بودن به افراد صاحب نفوذ، دسترسی داشتن به منابع خاص ویا در اختیار داشتن اطلاعات) از این موقعیت استفاده می‌کنند، که تمام تلاش خود را بکار می‌گیرند تا از این طریق کسب ثروت نمایند؛ که نتیجه آن اشرافیت اقتصادی است و پیامدش نا همگونی اقتصادی و بیکاری در سطح وسیع خواهد بود. مبارزه با رانت خواری، ویژه خواری وموقعیت بخشیدن برای افراد در کلام و رفتار سیاسی امیرمؤمنان(ع) بسیار پر رنگ به چشم می‌خورد.

سوالی اصلی که این نوشتار بدنبال بررسی آن می باشد عبارت است از: آیا در زمان حکومت امیرالمؤمنین علی(ع)، رانت‌خواری بوده است؟ برخورد امام با این پدیده چگونه بوده است؟

رانت و رانت‌خواری درتمامی زمان‌ها وجود داشته است و در دوران حکومت امام-علی(ع) نیز وجود داشته است و امام(ع) نیز قطعا با توجه به شأنیتی که دارد، با فساد اقتصادی برخورد لازم را انجام داده اند.

ضرورت این‌پژوهش ازآنجا آشکار می‌شود که براساس گزارش‌های اجتماعی وتجارب بدست آمده، همزمان با اشاعه رانت، ضربه شدیدی به سیستم اقتصادی جوامع واردآمده، توزیع عادلانه ثروت امکان پذیر نیست، امنیت اقتصادی کاهش یافته و به دنبال آن، سرمایه‌گذاری،رشد اقتصادی واشتغال درجامعه تضعیف شده است(فرامرزی، ۱۳۸۳).

رانت، ده پیامد منفی دیگر نظیر ظلم، اتلاف حقوق دیگران، مفاسد اجتماعی بسیار وپیدایش نظام طبقاتی را در پی دارد. در یک اقتصاد رانتی سرانجام مناسبات میان دولت و

مردم، حالت تخاصمی و مقابله جویانه به خود گرفته و سبب بی اعتمادی مردم به دولت می شود؛ این امر مشروعیت دولت را کاهش داده وتوانایی آن را در اجرای سیاست‌هایش به شدت تضعیف می‌کند. گاهی هرج ومرج، بروز نارضایتی از دستگاه ی حاکم به جایی می رسد که عوامل سقوط نظام حاکم را به همراه می‌آورد.

بنابراین انجام این پژوهش در راستای روشنگری وبیان پیامدهای منفی رانت از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) درنهج البلاغه، باعث می‌شود هم مردم کمتر به سمت این پدیده شوم رو بیاورند وهم سبب می‌شود دستگاه نظارتی نسبت به وظایفی که به عهده دارد به صورت جدی عمل کند.

پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ نگارش موضوع رانت در حدود دو قرن پیش به دوران اقتصاد کلاسیک باز می‌گردد. برای نخستین بار «آدام اسمیت» بین مفهوم رانت ودیگر درآمدهای چون دستمزد و سود تمایز قائل شده است. بعد از آن زمان، نظریه رانت به وسیله متفکران اقتصادی در اوایل سال(۱۸۱۵م) پیگیری شد و در رساله‌های جداگانه انتشار یافت(نویسندگان، ۲، ۳٤-٤٥). به اعتراف اندیشمندان علوم اجتماعی، مفهوم رانت در آغاز یک مفهوم اقتصادی بوده و لکن به تدریج از قلمرو اصلی خود به سایر حوزها، نظیر حقوق، سیاست و... بسط و توسعه یافته است(آشوری، ۱۳۹۲).

مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است ماهیت مفهوم رانت و رانت خواری مورد توجه قرارگرفته و به تفاوت‌های این مفهوم با مفاهیم و پدیده‌های نظیر ربا، فساد، رشوه و... پرداخته شود.

واژه رانت از نظر مفهومی یک پدیده مدرن است؛ ولی ازجهت محتوا سابقه تاریخ بشری دارد. پدیدهٔ رانت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قابل بررسی است؛ اغلب دولت‌ها وحکومت‌های درحال توسعه رانتی هستند؛ وقتی دولت رانتی باشد، طبیعتا مردم نیز در روابط سیاسی، اجتماعی واقتصادی خود از رانت‌خواری استفاده می‌کنند.

رانت در «لغت» به مفهوم بهره مالکانه است، برخی به معنای اجاره نیز بکاربرده اند (رحیمی، ۱۳۸۹: ٦) اما در دانش سیاسی معنای متفاوتی پیدا کرده است، پیدایش رانت به

دو قرن قبل به «اقتصاد کلاسیک» بر می‌گردد. درآن زمان رانت به منافعی اطلاق می‌شد که در نتیجه‌ی بکارگیری زمین‌های نامرغوب عاید مالکین زمین‌های مرغوب می‌شد (همدمی،۱۳۸۳، ۳٦). به عبارت دیگر رانت به عوایدی اطلاق می‌گردد که بدون تلاش و کار اقتصادی بدست آید؛ در مقابل(مزد وسود) که بافعالیت اقتصادی بدست می‌آید (همان). به تعبیر دیگر هرگونه سود غیر متعارفی که بدون زحمت و بدلیل وابستگی به مقامات بلند پایه– که از آن طریق به اطلاعات پشت پرده اقتصادی دست می‌یابد– که موقعیت وشرایطی خاصی را برای فرد ومجموعه ای بوجود می‌آورد رانت اطلاق می‌شود (همان). مشتاق حسین خان، رانت را اینگونه تعریف کرده است: رانت بالاتر از درآمدی است که فرد ویا بنگاه، با توجه به فرصت‌های بدیل می‌پذیرد (مشتاق، ۱۳۸٦: ۳۰). «رانت» پرداختی است در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر است» (همان).

فقر زاییده فساد است و فساد نیز زاییده تبعیض، تبعیض نیز به معنای امتیاز نارواست و مصداق بارز تبعیض در ادبیات اقتصادی، رانت یا مفت خواری وکسب ثروت بادآورده در سایه پدیده رانت است.(اسحاقی ۱۳۸۸/۸/۱۱) رانت واژه فرانسوی است که بدون هیچ‌گونه تغیری وارد ادبیات ما شده است.

برای رانت تعاریفی فراونی وجود داردکه به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

الف) سوء استفاده از موقعیت و فرصت‌های اجتماعی و دسترسی به منابع اطلاعاتی و قدرت، رانت گفته می‌شود.

ب) رانت در ساده ترین معنا، سوء استفاده از فرصت و امکانات جامعه است.

ج) رانت به ثروت بادآورده یا به هرپرداختی گفته می‌شودکه بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد (اسحاقی، ۱۳۸۸/۸/۱۱).

د) رانت، به طور خلاصه به درآمد و سودی بدون زحمتی اطلاق می‌شودکه محصول فعالیت‌ی اقتصادی و تجاری نیست و ارزش‌افزوده ایجاد نمی‌کند؛ از این رو یک ارزش، غیر از ارزش واقعی اشیاء و خدمات تلقی می‌شود (نویسندگان، ۱۳۸۲).

هـ) رانت، به‌درآمدهایی که‌بالاتر ازبازدهی معمولی است به‌کارمی‌رود (مشتاق،۱۳۸٦).

و) رانت،درآمدی است که از فرصت‌ها و موقعیت‌های برتر به دست آمده باشد و ثروتی است حاصل ازکار غیرتولیدی و بادآورده (معین، ۱۳۹۳).

رانت در آمدی است که بی تلاش حاصل می‌آید؛ به عباردت دیگر درخرده نظام اقتصاد «رانت» پرداختی است در ازای یک عامل تولیدکه از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر باشد؛ هرچند رانت درآمدی است حاصل از مواهب طبیعی؛ اما این درآمد ناشی از مالکیت صرف نبوده و امتیازی است که در ازای مالکیت منابع طبیعی عاید مالک می‌گردد (محمدی اصل،۱۳۸۷، ۲۰۱).

مفهوم رانت، به طور خلاصه به درآمد وسودهای بدون زحمتی اطلاق می‌شود که محصول فعالیت‌های اقتصادی وتجاری نیست وارزش افزوده ایجاد نمی‌کند، از این رو یک ارزش، غیر از ارزش واقعی اشیاء وخدمات تلقی می‌شود (نویسندگان، همان).

یکی از مسائل مهم، این است که همزمان با حصول رانت، غالبا رانت جویی صورت می‌گیرد، رانت‌جوی به صورت خاص هزینه های است که برای ایجاد، حفظ و انتقال رانت‌ها به مصرف می‌رسد و به شکل عام شامل هرگونه تلاش چون رایزنی، سیاست بازی بوده که در راستای تحقق رانت صورت می‌گیرد (مشتاق،۱۳۸٦).

عوامل ایجاد رانت

مهم‌ترین نکته که در بحث عوامل ایجاد رانت وجود دارد این است، که باید برای جلوگیری از این پدیده، ابتدا عوامل به وجود آمدن آن شناسایی شود تا بتوانیم با آن مبارزه کنیم، به چند نمونه از مهمترین عوامل ایجاد رانت اشاره می‌گردد:

برخی معتقدندکه خلأ قانون، ضعف یا ابهام در قانون، اجرا نشدن قانون، یاعدم نظارت دستگاه‌های نظارتی وقضایی با مفسدان و بی‌توجهی به خشکاندن ریشه‌های فساد، از جمله عوامل مهم در ایجاد وپیدایش رانت به حساب می‌آید. (خدمتی، ابوطالب، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی)

رانت زاییده برخی‌فرصت‌های انحصاری است که دراختیار شرکت‌های دولتی و خصوصی قرار می‌گیرد.

۱. برخی با سؤاستفاده از قدرتی‌که در اختیار دارند به آن دسترسی پیدا می‌کنند.

۲.رانت می‌تواند از طریق عدم شایسته سالاری بوجود بیاید به این معنا که در موقع استخدام افراد رابطه را بر ضابطه ترجیح بدهند.

۳.رانت از انحصاری کالا وخدمات دولتی به اشخاص حقیقی وحقوقی بدست می‌آید.

٤. رانت در درون تصمیمات ومقررات دولتی نهفته است.

۵. براثر وارد شدن صاحبان قدرت در عرصه‌های اقتصادی بوجود می‌آید.

٦. رانت می‌تواند ریشه در جناح بندی‌های ملی داشته باشد.

۷. رانت می‌تواند ناشی از سپردن مسؤلیت به افراد بی‌تعهد وکم ظرفیت باشد، که مسؤلیت خود را طعمه قراد بدهد واز آن سؤاستفاده بکنند.

۸. سرچشمه رانت می‌تواند صدور مجوزهای انحصاری برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی باشد.

۹.رانت می‌تواند ناشی ازعدم نظارت دقیق برعملکرد کار گزاران باشد(خدمتی، ابوطالب، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی).

نفی رانت خواری در عرصه سیاسی از منظر نهج ا لبلاغه

دولت‌های رانتی در بُعدسیاسی دارای ویژگی‌های استقلال از جامعه، پاسخ‌گو نبودن به مردم، دیکتاتوری وعدم مشارکت سیاسی است؛ دریک جمله استبداد رأیی ویژگی بارز رانت خواران است. که امیرالمؤمنین(ع) برمسؤل بودن حکومت در برابر ملت تأکید دارد که در ذیل مواردی بیان می‌گردد:

یکی‌از ویژگی‌های دولت رانتی استبداد رأی وعدم توجه به مردم است، که پاسخگوئی سیاسی حضرت علی(ع) عدالت است؛ ایشان عدالت را شرط ضروری واستواری روابط مردم وحاکمیت وآهنگ رو به پیشرفت جامعه می‌داند و در این زمینه به فرمانروایان و فرمانبران می‌فرماید: «اما بعد، همانا خدا برشما برای من حقی قرارداد، چون حکمرانی شما را به عهده ام نهاد وشما را نیز حق است برمن، همانند حق من که برگردن شما است و ضمن تأکید بر حقوق ملت وحقوق متقابل حکومت بر زدودن فرهنگ چاپلوسی نیز اصرار دارد و می‌فرماید: مرا به نیکی مستایید تا حقوقی را که خداوند برمن واجب کرده و برگردنم باقی است ادا نمایم. این سخنان حضرت در واقع نشان‌دهنده نوع نگاه حضرت

به زمامدار وحکومت است (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

همین‌طور در نامه هجدهم خطاب به عبدالله بن عباس فرماندار بصره سفارش می‌کند: «دل مردمان را با نیکویی روشن ساز وگره بیم را از دل آنان باز کن؛ یعنی اینکه رابطه حاکم و مردم به گونه ای باشد که مردم هیچ گونه ترس و دلهره نسبت به حکومت خود احساس نکنند. حتی حضرت نسبت به حقوق اقلیت‌های غیر مسلمان نیز توصیه می‌کند و می‌فرماید: «دهقانان شهر از تو شکایت دارند،که با آنان درشتی می‌کنی وسختی روا می-داری، ستم می‌کنی و آن‌ها را کوچک می‌شماری، من درکارشان نگرستم، دیدم که چون مشرکند نمی‌توان به خود نزدیک کنی وچون در پناه اسلامند نباید آن را از خود برانی، پس درکار آن‌ها درشتی و نرمی را درهم‌آمیز،گاهی مهربان باش وگاه تیز، زمانی نزدیکشان آور و زمانی دور شان گردان (نهج البلاغه، نامه ۹).

یکی‌از خصوصیات امام‌علی(ع) در راستای پاسخگو بودن حکومت، پیشگیری از اقدامات خشونت آمیز فرمانروانش نسبت به مردم است؛ چنانچه در نامه بیستم خطاب به زیاد بن ابیه که نایب فرماندار بصره وحاکم اهواز و فارس وکرمان محسوب می‌شد، می فرماید: «به خدا سوگند، اگر مرا خبردهند که تو در فئ مسلمانان اندک یا بسیار خیانت کرده ای، چنان تو را سخت گیرم که درمانده و بدون مال شوی، که از عهده نفقه عیال خود نیز برنیایی. درهمین جهت به محمد بن ابی بکر فرماندار مصر توصیه می‌کند که با مردم فروتن باش و نرم‌خو، همواره گشاده رو باش و به همه به یک چشم نظرکن تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

مشارکت سیاسی از منظر نهج البلاغه

حاکمان رانت جو، اعتقادی به گردش نخبگان ندارند، بلکه تمام تلاش خود را بکار می‌گیرند تا توان رانتی خود را از طریق استبداد سیاسی بکار ببرند، از نگاه اندیشه سیاسی اسلام مشارکت مردمی وگردش نخبگان (دموکراسی) بعنوان یک وظیفه شرعی و درجه اول وجود دارد (ابوالحمد/۱۳۸۲/۲٤٤) در نهج البلاغه دربارهٔ شایسته سالاری و رضایت مردم درحکومت بیسار تأکید شده است وهمواره امام علی(ع) دولت خود را موظف

میدانسته که در پی رضایت مردم باشند(نهج البلاغه، خطبه۹۱). توجه حضرت به نقش مردم دراعمال حاکمیت از جمله مشروعیت سیاسی، ریشه در ملاحظه ماهیت و سرشت زندگی اجتماعی بشر دارد، ازطرفی تداوم نظم اجتماعی منوط به پذیرش و رضایت مردم است، از طرفی لزوم جلوگیری از بکارگیری غیر مشروع قدرت، مستلزم مشارکت گسترده مردم و شکل گیری روابط مبتنی برحقوق متقابل، مسؤولیت پذیری تمام افراد جامعه و پاسخگو بودن حاکم جامعه است(نهج البلاغه، خطبه ۹۱).

امام علی(ع) در نکوهش فرصت طلبی و رانت‌خواری خلفا می‌فرماید: «یکی از آن‌ها با کینه‌ای که از من داشت روی برتافت، و دیگری دامادش را برحقیقت برتری داد، تا آن که سومی به خلافت رسید، که همانند چارپایان بتاخت تاخود را به علفزار مسلمانان رساند و پهلوی خود را از آن تهی ساخت وخویشاوندی خود را همراه خود کرد وبیت المال مسلمین را بردند وتاراج کردند؛ همانند شتری گرسنه ای که ریسمان خود را پاره کند و به جان گیاهان بهاری بیفتد گویا هرگز کلام خداوند را نشنیدند – یاشنیدند ولی بکار نبستند – که می‌فرماید: «سرای آن جهان ازآن کسانی است که برتری نمی‌جویند، تبهکاری پیشه نمی‌کنند وپایان کار ویژه پرهیزگاران است»(نهج البلاغه، خطبه۳).

امام علی(ع) خطاب به یکی ازکارگزارانش‌که اختلاسی انجام داده بود، می‌فرماید: « وای برتو، انگار میراث رسیده از پدر و مادرت را به جانب خانواده‌ات بردی. سبحان اللّه! آیا به قیامت ایمان نداری؟ و از حسابرسی خدا نمی‌ترسی؟! ای کسی که نزد ما از خردمندان شمرده می‌شدی، چگونه آشامیدن و خوردن این مال را بر خود گوارا می‌دانی در حالی‌که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌آشامی؟! کنیزان می‌خری، و با زنان ازدواج می‌کنی آن هم از مال یتیمان و مساکین و مؤمنان جهاد کننده‌ای که خداوند این اموال را به آنان بخشیده و به وسیله آنان این شهرها را حفظ کرده است. از خدا پروا کن، به این قوم اموالشان را برگردان، اگر بر نگردانی آنگاه خداوند به من قدرت دست یابی به تو را بدهد چنان عقوبت کنم که عذرخواهم نزد حق باشد و با شمشیرم گردنت را بزنم شمشیری که احدی را با آن نزدم جز اینکه وارد جهنّم شد؛ به خدا قسم اگر حسن و حسینم آنچه را تو انجام دادی انجام می‌دادند، از من نرمشی نمی‌دیدند تا اینکه حق را از آنان باز ستانم و

باطلی را که از ستمشان به وجود آمده نابود سازم » (نهج البلاغه، نامه ٤١).

نفی رانت‌خواری در عرصه اقتصادی از منظر نهج البلاغه

یکی از عرصه مهم برای رانتخواری عرصه اقتصادی می‌باشد، حتی می‌توان گفت که بازگشت رانت‌های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی به نوعی به اقتصاد منتهی می‌شود.

ازنگاه اسلام، اقتصاد درسطح کلان یعنی جریان مالی در صورت سالم بودن، موجب بقای جامعه و در صورت ناسالم بودن می‌تواند یکی از عوامل سقوط جامعه بحساب آید. لذا امیرالمؤمنین(ع) اقتصاد را یکی از محورهای مهم مدیریت جامعه و حکومت می‌داند، از این جهت است که همواره با ظرافتی خاص به آن توجه کرده و به استانداران خود نیز به آن توصیه می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۳: شماره۲ ،۲).

امام‌علی(ع) در نهج البلاغه از یک طرف از فقر به بدی یاد کرده ومردم را به کار وکسب درآمد دعوت نموده است و از جهت دیگر ویژه خواری را نفی‌کرده و به ترویج فرهنگ کار تولیدی تأکید می‌کند؛ که چند نمونه در ذیل بیان می‌گردد:

۱– توجه به درآمدهای عمومی ومالیات دولتی

یکی از شاخص‌های دولت رانتی(حامی پروری) از بین اقشار جامعه است، که در فکر پیشرفت جامعه نیست با بذل و بخشش اموال عمومی انجام می‌گردد که نمونه آن را در حکومت معاویه بوضوح می‌توان مشاهده نمود، برعکس امیرالمؤمنین(ع) که توجه ویژه به عمران‌وآبادانی وهم‌چنین درفکررفاه عمومی جامعه بودند بدون اینکه گروهی‌را بر گروهی دیگر برتری بدهد، حتی دشمنان را نیز از حقوق اجتماعیش محروم نمی‌کردند (همان).

۲– نفی ویژه خواری حاکمان وآقا زاده‌ها

یکی از وجوه رانتخواری استفاده نابجا ازموقعیت ومناصب عمومی و وابستگی فامیلی به افراد صاحب مقام است، از این جهت بود که وقتی حضرت به حکومت رسید، تمامی امتیازات واموالی را که خلیفه سوم به نزدیکان خود داده بود، همه را به خزانه عمومی مسلمانان بازگرداند؛ امام نسبت به زندگی خصوصی والیان و فرمانداران بسیار حساس بوده اند، علتش را نیز بیان می‌کند: اگرفرمانداری بدنبال هوای نفسانی و خواسته‌های شخصی خود باشد، این‌کار وی را از عدالت دور نگه می‌دارد(نهج البلاغه، نامه۵۹).

۳- تنبلی وتن آسانی

تنبلی و روی آوردن به درآمدهای بی زحمت از منظرامام علی(ع) مصداق رانت می-باشد؛ تأکید حضرت اشتغال به اصل‌کار مفید بوده ونوع کار برای وی مطرح نبوده است، هرکاری که مفید وسازنده همراه با عزت واحترام اجتماعی باشد کاری خوبست. (نهج البلاغه نامه ۲۷)

آثار منفی رانت و رانت‌خواری

رانت خواری آثار زیانبار و مخرب اقتصادی دارد و باعث اتلاف وقت و سرمایه می-شود، بین مردم فاصله می‌اندازد و موجب تنش و مشکلات سیاسی می‌گردد؛ یکی از عوامل رکود اقتصادی وجود این رانت است که انگیزه‌کارآفرینی، تولید واقعی و خلاقیت را درجامعه بین می‌برد، حتی افراد با استعداد برای اینکه از این قافله عقب نمانند، استعدادشان را بجای کمک به تولید درخدمت رانت قرار می‌دهند، باگذشت زمان این پدیده به نوعی فرهنگ تبدیل می‌شود(اسحاقی، ش۱۳۸۸،٤٥).

۱- تشدید روحیه مصرف گرایی

باید به این نکته توجه نمودکه فعالیت‌های رانتجویانه یک نوع فعالیت غیرمولد وغیر اقتصادی اند،روی آوردن بازیگران اجتماعی به این فعالیت‌ها به زیان کارمولد منجر خواهد شد و بخشی ازسرمایه جامعه نیز به هدرخواهد رفت؛ تجارب دولت‌های رانتی نشان می‌دهدکه این گونه دولت‌ها برای پاسخگوی به نیازهای فزاینده جامعه، ساده ترین کار را در پیش می‌گیرد وآن واردات بی رویه مواد وکالای مورد نیاز جامعه است، که این عمل آثار منفی را به دنبال دارد ازجمله: تولیدکنندگان داخلی را با مشکل مواجه می‌سازد و روحیه مصرف گرایی را در جامعه تشدید می‌کند. این همان چیزی است که در برخی از کتب تحت عنوان روحیه رانتی مطرح می‌شود (میانی و حبیبی، ش۱، ۱۳۹۵).

۲- اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی

دولت رانتی به صورت انحصاری رانت را دریافت می‌کند وآن را هزینه می‌کند، همین امر سبب می‌شود، که دولت بدون مشورت گروه‌های اجتماعی و بدون در نظرداشت کارایی و بازدهی اقتصادی برنامه‌های خود را به اجرا درآورد؛ در چنین فضای دولت رانتی

با توجه به تجربه تاریخی به سیاست‌های جایگزین واردات رو می‌آورند، که درنتیجه گسترش صنایع با هدف افزایش تولیدات داخلی وکاهش واردات کالای خارجی مورد توجه قرار می‌گرد، اما مشکلی که وجود دارد این است، صنایعی که در چنین شرایطی بوجود میایدازکارایی وانعطاف پذیری لازم برخور دار نیستند و به دلیل پایین بودن کیفیت محصولات اینگونه صنایع تولیدات آن تن در بازارهای داخلی قابل فروش است (همان).

۳.پایین‌آمدن‌انگیزه تولید. ٤.افزایش نرخ بیکاری. ٥.افزایش دلالی. ٦.توقف رشد تکنولوژی. ۷. کاهش بهره وری. ۸. افزایش تورم. ۹.حذف وجدان کاری. ۱۰. فساد گسترده مالی. ۱۱. خروج سرمایه به خارج. ۱۲. ناعادلانه شدن سیستم توزیع . ۱۳.نا امنی دربخش تولید. ١٤. دوقطبی شدن جامعه و تضاد طبقاتی

۱۵–رشد فعالیت‌های ناسالم وگرایش سرمایه به بخش‌های خدماتی و واسطه گرایی (حبیبی، ش۱، ۱۳۹۵).

اگر در جامعه ای، حجم رانت زیاد شد سیستم اقتصادی دچار فروپاشی می‌شود. به عبارت دیگر، رانت باعث می شود که ذهن‌های خلاق جامعه به سمت سرمایه‌گذاری‌های عادی وتولید نروند و درنتیجه بیکاری زیاد وسیستم توزیع درآمد ناعادلانه می‌گردد، بدین معنا که برخی درآمد هنگفتی که ناشی از کار نیست را بدست می‌آورند و این امر باعث بی‌عدالتی و بهم ریختن سیستم توزیع درکل جامعه شده و موجب نارضایتی افراد می‌شود.

این بحران اقتصادی یعنی بحران سرمایه‌گذاری، تولید و ناعادلانه بودن توزیع درآمد، به تدریج به حوزه‌های مختلف اجتماعی کشیده می‌شود وکم کم تبدیل به بحران اجتماعی خواهد شد، در این حال فساد سیاسی درسطوح کلان سیاسی رخ می‌دهد؛ منظور این نوع فساد، معامله با افراد بلند پایه ای است که از سمت خود برای بدست آوردن پول کلان به عنوان رشوه از شرکت‌های ملی و بین المللی یا داوطلبان اجرای پروژه‌های کلان وانعقاد قرارداد استفاده می‌کنند ویا مبالغ هنگفتی را ازخزانه ملی اختلاس کرده وبه حساب خود واریز می‌نماید. به‌تدریج فساد اداری در دستگاه‌های دولتی در انتهای طیف اجرای سیاست اتفاق می‌افتد که به آن فساد مالی سطح پایین می‌گویند، این همان است که هرروز در مراکز مختلف مانند بیمارستان‌ها، اداره‌ها، گمرکها، پلیس، مدارس و.... اتفاقات ناخوشایند

رخ می‌دهد و این اداره‌های آفت زده توان ایفای مسؤلیت خود را ندارند و نمی‌توانند جواب‌گوی مراجعه کنندگان خود باشند؛ از جلب رضایت مردم عاجزبوده و به‌تدریج چالش شدید بین آحاد جامعه و دولت مردان به‌وجود می‌آید(حبیبی، ش۱، ۱۳۹۵).

روش‌های مبارزه با فساد و رانت خواری

یکی از اصول گران‌بها در مکتب امیرمومنان(ع) این می‌باشد،که ایشان برای مبارزه با فساد تمایزی بین نزدیکان و دیگران نمی‌گذاشت. ایشان اصول اسلامی را یکسان و بدون گذشت بر تمام افراد جامعه اجرا می‌نمود. حضرت رفتار با برادرش را که خواهان سهم بیشتری از بیت المال شده بود این‌گونه توضیح می‌دهد: «به خدا سوگند برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده بود و از من درخواست داشت یک من ازگندم های بیت المال را به او ببخشم.... چون به گفته‌های او گوش دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار می‌کنم و از راه عادلانه خود دست برمی‌دارم. روزی آهنی را گداخته به جسمش نزدیک کردم...، چون بیمار از درد فریاد زد... به او گفتم... از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است؟ اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی‌که خدای جبارش با خشم خود آن را گداخته است(نهج البلاغه/ دشتی/٤٦١).

درجای دیگر خطاب به مالک می‌گویند: «ای مالک! همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند؛ ریشه ستمکاری شان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچکدام از ایشان زمین واگذار مکن و بگونه‌ای با ایشان رفتارکن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند(نهج البلاغه/ دشتی/۵۷۸).

۱- موضوعات مربوط به خودکنترلی

از قبیل تأکید بر اصل شایسته سالاری؛ تأکید بر اصل تقوا و معنویت، تأکید بر اصل تعهد و مسؤولیت پذیری، تأکید بر اصل خداگرایی و خدا محوری درکارها، تأکید بر اصل نظارت الهی، تأکید بر اصل نظارت مردمی، تأکید بر کرامت انسانها، تأکید بر جمع گرایی، تأکید برفرهنگ سازی، تأکید بر فضاسازی مناسب و سالم، تأکید بر اصل مراقبه و محاسبه در کارها، تأکید بر اصل ایمان به قیامت و آثار و نتایج اعمال، تأکید بر تقویت باورها و

انگیزه‌های الهی،تأکید برمبارزه با مفاسد اخلاقی، تربیتی و روحی و تأکید بر ارائه الگوهای کارآمد، مؤثر و ثمربخش.

۲- موضوعات مربوط به نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران

از طریق بازرسی وکنترل به صورت سازمان یافته، بازرسی وکنترل به صورت موردی و با بازرسان ویژه و مخصوص، بازرسی وکنترل توسط افراد دیگر (اشخاص متعهد) و گزارشهای مردمی، بازرسی و کنترل توسط مردم، پذیرش نظارت عمومی مردم، تأکید بر اصل شفافیت و پاسخگویی، تأکید بر اصل مسؤولیت شناسی و مسؤولیت پذیری، تأکید بر اصل نظارت و اقتدار قضایی، تأکید بر اصل پیشگیری، تأکید بر برخورد با ریشه فساد و تأکید براصل الگوسازی و ارائه اسوه‌های کارآمد ونقش رهبری شایسته در جامعه اسلامی.

۳- اقدامات عملی و برنامه اصلاحات

مانند برکناری و عزل کارگزاران دوره عثمانی، عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، قاطعیت در اجرای حدود الهی، برنامه جدی برای اجرای عدالت، برنامه جدی برای مساوات در اجرای قوانین (مساوات همه در برابر قانون)، برنامه جدی در بهره برداری مساوی از بیت المال (مساوات برای همه در تقسیم بیت المال)، الغای امتیازات نابجای گذشته، مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌ها و انحراف‌ها، ایجاد فرصت‌های برابر و مناسب برای همه، آموزش و هدایت صحیح منابع و استعدادهای انسانی جهت خیر و صلاح، زمینه سازی برای رشد و پویایی جامعه، و تدبیر حکیمانه امت در جهت رشد و بالندگی.

بدون تردید، شرط اساسی برای هرگونه تحول و اصلاح، به کارگیری کارگزاران شایسته و مدیران لایق و خردمند و باکفایت و مسؤولان دردمند و دلسوز و استفاده از نیروهای توانا و دانا و باتقوا و زجرکشیده و رنج دیده است. برای ایجاد تحول در هر جامعه و هر حکومت، باید کار را از دست نااهلان و فرومایگان خارج کرد و به دست اهلان و پاک باختگان سپرد. امام(ع) نیز درسخنان فراوانی بر این اصل تأکید کرده اند: «إنَّ شَرّ وزرائک مَن کانَ لِلأشرار قَبلک وزیراً» همانا بدترین وزیران و همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو، وزیر بوده اند و در آثام و گناهان با آنان همکاری داشته

اند(نهج البلاغه/ للصحبی/٤٣٠).

۴- مبارزه با مفاسد اقتصادی

در ارتباط با رانت اقتصادی امیرالمؤمنین(ع) خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، در مورد استفاده ناروا از بیت‌المال هشدار داده و بیت‌المال را مال خدا می‌داند و می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی درگردن توست... در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دارآنی»

مقابله با رشوه و رشوه‌خواری که یکی از رایج ترین انواع فساد مالی و اقتصادی است که باعث وارد نمودن زیان‌های شدید بر اقتصاد ملی می‌گردد. می فرماید: «همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند به آن جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن بدست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند(نهج البلاغه/ دشتی/٦٢١).

یکی از رسالت‌ها و مسؤولیت‌های مهم هر حکومت صالح، جمع آوری بیت المال و تقسیم آن، مدیریت منابع مالی و هدایت امکانات در راه خیر و صلاح، بهره برداری صحیح از امکانات و برنامه ریزی دقیق برای توزیع‌آن، جلوگیری از اسراف، تبذیر، سوء استفاده و اختلاس، تأمین نیازهای عمومی و عدالت اجتماعی، رفاه مردم و حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان است. تداوم و پایداری و اقتدار هر دولت و حکومتی، وابسته به سیاستهای مالیاتی و بودجه ای و اقتصادی و کارایی و کفایت لازم در امور اقتصادی و هدایت و مدیریت بهینه منابع و امکانات و ساماندهی حیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه بر اساس آن است.

امیرالمؤمنین(ع) یکی از اهداف اساسی حکومت خود را موضوع بیت المال و مسایل حیاتی مربوط به آن می داند، تا جایی که در نامه به مالک اشتر می فرماید: «الناس کُلَّهُم عَیال علی الخَراج وَ أهلُه» (نهج البلاغه/للصحبی صالح/٤٣٦) مردم همه وظیفه خور و تحت کفایت بیت المال و اهل‌آنند. و درهمان فرمان نورانی اهداف کلان حکومت اسلامی را بدین قرار بیان می کند:«جِبایَۀ خَراجِها و جِهادِ عَدوّها و اِسْتصلاحِ أهلِها وَ عِمارَۀ بِلادِها» (نهج البلاغه/للصبحی صالح/٤٢٧)

جمع آوری خراج و مالیات و جهاد با دشمنان و اصلاح مردم جامعه و آباد کردن سرزمین‌ها و شهرها، از اهداف کلان حکومت اسلامی است. امام(ع) یکی از اهداف اصلی خود را، مبارزه با اسراف و تبذیر و تکاثر و اتراف و غلول و غشّ در امر بیت المال قرار داد و در بیان سیره و سنت انبیا(ع) و سیره رسول اکرم(ص) و در ارائه الگویی الهی و رفتاری بزرگوارانه و کریمانه، اعلام کرد و برآن پای فشرد.خطبه صد و شصت در بیان و توضیح زندگی انبیای سلف(ع) و زندگی نبیّ اکرم(ص) و زندگی آن حضرت، نقش و رسالت امام(ع) را بهتر آشکار می‌کند. در جای جای نهج البلاغه، مبارزه حضرت(ع) با فساد اقتصادی، رخ نمایانده است. این مبارزه، گاهی با توبیخ کارگزاری است که دعوت ثروتمندان را پذیرفته، و گاهی با توبیخ کارگزاری است که از بیت المال سوء استفاده کرده و گاهی با اعتراض به فردی است که از بیت المال بیشتر طلب کرده است.

امام(ع) با تمام وجود، در این صحنه و میدان قدم برداشت و گرچه توطئه های فراوانی در این رابطه علیه آن حضرت شکل گرفت، اما بدون ملاحظه روشهای معمول، با قاطعیت و صراحت، جلوی تمام آن توطئه ها ایستاد و عدالت را تحقق بخشید. از باب نمونه، قطایع و اقطاعات و ... عثمان را، آن حضرت، لغو فرمود و کلیه زمینهایی که به ناحق، به صورت اقطاع، به افراد و مخصوصاً افراد وابسته به بنی امیه واگذار شده بود، همه را به بیت المال بازگرداند.

موضوع مفاسد اقتصادی در سیستم اداری و درجوامع گوناگون، درطول تاریخ، همواره مسأله ای اسفبار و دردناک و عامل بسیاری از نابسامانیها و دردها و رنجها و اختلافهای فاحش طبقاتی و بی عدالتیها و تبعیضها و شورشها و چالشها و گسترش فساد و انحراف در جوامع بوده است.

شرایط لازم رشد و توسعه و امنیت اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد متقابل دولت و ملت و بالعکس و اعتماد کارفرما و کارگر و کلیه اقشار جامعه نسبت به هم، با سلامتِ جریان اقتصادی کشور و پرهیز از فرصت طلبی و احتکار و انحصار و تمرکز ثروت و تکاثر و کنز و رشوه خواری و اختلاس و پورسانت و غارت و غصب بیت المال و ربا و فساد و تخریب اموال عمومی و ... فراهم می‌آید. رشد و توسعه و سرمایه گذاری

و اشتغال کامل و سالم و مولّد، نیاز به ثبات و امنیت و آرامش اجتماعی و عدالت و اطمینان عمومی دارد و در صورتی که جامعه، از روند حرکتهای اجتماعی و سیاسی، مطمئن باشد و احساس آرامش کند و به نتیجه دسترنج و زحمات خود امیدوار باشد، قطعاً، فعالتر و بانشاط تر عمل خواهدکرد.

۵- تصفیه و پالایش جامعه از عناصر فاسد و فرصت طلب

«وَالذی بَعَثَهُ بِالحَقّ لتبلبلن بلبلهٔ وَ لَتغربلن غربلهٔ»(ابن ابی الحدید/۲۷۲/۱) به خداوندی که پیامبر را به رسالت وحق مبعوث نمود، همه‌شما در بوته آزمایش در خواهید آمد و آزمایش خواهید شد، آزمایش شدنی. «وَ الله لا اَکون کالضبع تنام عَلی طولِ اللِدم» (نهج البلاغه/دشتی/۱۸) به خدا قسم من مانند کفتار نخواهم ماند که با طول هشدارها بخوابد»

۶- بازرسی ونظارت عالی

اصل بازرسی و نظارت، به عنوان یکی از وظایف حساس و اصلی در هر سازمان و مؤسسه و نهاد و ارگان است که به وسیله آن می تواند بر ساختار و عملکرد و برنامه های یک مجموعه، نظارت کرد و نقاط قوت و ضعف و اعتدال و یا انحراف آن را فهمید. در سایه نظارت است که میزان موفقیت دستگاهها و ارگانها، ارزیابی و با برنامه ها تطبیق داده می شود. امروز، در هر دستگاهی، نظارت، به منزله چشم آن دستگاه و مدیریت مربوط است. بازرسی، لازمه نظارت است. برای اینکه بخواهیم نظارت کنیم و میزان موفقیت را نشان دهیم، به بازرسی نیاز است. بازرسی و کنترل و نظارت و مراقبت و حسابرسی و حساب کشی، نشان دهنده صحت و سلامت کارها و پیشرفت امور و میزان اَعمال عمومی و اصول گرایی در انجام دادن وظیفه و شایستگی و بایستگی مسؤولان ذی ربط است.برای انجام این مهم، به برنامه ریزی و سازماندهیِ کار نظارت نیاز است. بازرسان و مسؤولان این بخش، باید از شایسته ترین و امانتدارترین و وفادارترین اشخاص نسبت به نظام و رهبری آن باشند تا با گزارش‌های صحیح و دقیق و سریع، زمینه تصمیم‌گیری بجا و کارساز را فراهم کرده و از گزارش‌های خلاف واقع و دور از صواب و تأثیرپذیری و دروغ و خدعه به دور باشند.

بیان امیرالمؤمنین(ع) در این رابطه، مانند سخنان همیشه آن حضرت، از استواری و اتقان

خاصی برخوردار است و بهترین و آموزنده ترین درس‌ها را در خود دارد. آن بزرگوار در فرمان به مالک اشتر می فرماید: «ثمّ تفقّد أعمالهم و ابْعَثِ العیونَ من أهل الصدق و الوفاء علیهم» (نهج البلاغه/للصحبی/۴۳۵) با فرستادن مأموران مخفی که اهل صدق و راستی و وفا باشند کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهانی درکارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاطفت با مردم وادار می‌سازد. و با دقت فراوان، مواظب اَعوان و انصار و کارگزاران خود باش و اَعمال ایشان را تحت نظرداشته باش و چنانچه یکی از آنان، دست به خیانتی زدند و مأموران مخفی تو، به طور جمعی آن را تأیید کردند، باید که به آن اکتفا کنی و بدون تأخیر، خیانتکار را کیفر دهی و به مقدار خیانتی که انجام داده است او را کیفر نمایی، آنگاه وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و داغ خیانت بر پیشانی او بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیفکن، تأکید ارزشمند امام(ع) بر اعزام بازرسان به دورترین نقاط بلاد اسلامی و کسب خبر از رفتار و کردار کارگزاران و خدمتگزاران مردم و در جریان امور قرار گرفتن رهبر جامعه اسلامی و شایستگی بازرسان مأموران حکومتی و برخورد قاطع با خائنان و فاسدان، همه، درسهای آموزنده ای است که امروز نیز ضروری و بدیع می نماید.

تعبیر رسا و روشن کننده و آموزنده امام(ع) در رابطه با بازرسان و شرایط و ویژگیهای لازم برای آنان و نیز تعبیر به «و ابعثِ العیون»، می رساند که در صورت لزوم، اعزام بازرسان از مرکز و یا از یک منطقه دیگر، امری ضروری است. جالبتر از این، فرمان حضرت(ع) به لزوم بازرسی مخفیانه است: «فإنَّ تعاهدک فی‌السرّ لأُمورهم حدوهٔ لهم» جمله نخست نیز که امام(ع) می فرماید: «ثمّ تفقّد أعمالهم» کاوش و پیگیری و جست و جو و مراقبت و مانند آن را می رساند. نکته دیگر آن است که واژه «تفقد» در چند بخش از این فرمان مبارک تکرار شده که نشان دهنده حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است: نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت المال و تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری و آبادانی و عمران و نظارت بر بازار و توزیع ومبادلات اقتصادی و تجارتی و صنعتی و رسیدگی به کلیه امورِ مربوط به بازرگانان و صنعتگران و کسبه و تجار و خدمات مربوط.

۷- تغییر نگرش نسبت به کار ومدیریت

یکی از عوامل دیگر بوجود امدن وگسترش فساد در جامعه و ادارات نوع نگرش نسبت به مدیریت در سازمانها ونهاد هاست، در این نگرش، کارکنان ومدیران سازمان و نهادها، مقام وموقعیت را فرصتی برای بهره مندی خود واطرافیان خویش از بیشترین و بهترین امکانات ومنافع وبهره های مادی ودنیوی وزمینه ای برای سؤ استفاده وچپاول میدانند، و راه مبارزه پیشگری و مبارزه با فساد، تغییر این نگرش نسبت به کار ومسؤلیت و تبدیل آن به نگرش درست وصحیح است، نگرشی که براساس ان مدیران وکارکنان و نهادها مسؤلیت خود را فرصت وزمینه ای برای کار وتلاش وخدمت به خلق وجامعه تلقی‌کنند وتلاش‌کنند خدماتی با ارزشی به جامعه ارائه بدهند. این نوع نگرش بکار و مسؤلیت را امامان معصوم خیلی به آن تأکید میکنند وجایگاه ومقام به منزله یک فرصت و امانت تلقی شده وسفارش شده که از این فرصت برای دستیابی به اهداف واعتلای جامعه اسلامی استفاده شود(خدمتی).

۸- اصلاح ساختار استخدامی

ساختار استخدامی نامناسب یکی از عوامل اصلی به وجود امدن مفاسد اقتصادی ویکی از زمینه و بستر ی رشد فساد اداری است که باعث بوجود آمدن بسیاری از مصادیق فساد مانند رعایت نشدن اصل برابری فرصت، ایجاد باند وشبکه ی غیر رسمی، دلسردی متخصصین وافراد باصلاحیت وسخت کوش، وهدر رفتن منابع وامکانات کشور میشود. اصلاح ساختار استخدامی وتوجه به شایسته سالاری در امرجذب، گزینش وانتصاب کارکنان ومدیران می تواند به عنوان یکی از راه ی اصلی وشیوه ی اساسی در پیشگیری و مبارزه با فساد اداری وارتقای سلامت در جامعه شود.

امام علی(ع) در نامه خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی‌که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان بایکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در

یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک‌اند. پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آنقدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو در أمان باشد. در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود که با نام دین به هوا پرستی پرداخته و دنیای خود را به دست می‌آوردند(نهج البلاغه/دشتی/٦٢١).

۹– تأمین هزینه های ضروری کارکنان

وجود فقر وتنگدستی در میان کارکنان، می‌تواند به عنوان مشوق وانگیزه‌ای برای گرایش آنان به فساد و رشوه خواری اختلاس ورانت خواری و.... باشد، بنابراین یکی از راه‌های پیشگیری و مبازه با فساد اداری ازبین بردن این بستر و مبارزه با این علت است. چنانچه امیرمؤمنان(ع) تأمین هزینه‌های زندگی ونیازمندیی معیشتی کارکنان را یک وظیفه اصلی برای مسؤلان دانسته و برنقش این مسأله در پیشگیری از مفاسد اداری تأکید می‌کند. آن حضرت در بخشی ازنامه خویش به مالک اشتر، علاوه بر توصیه ایشان نسبت به تأمین معیشت و هزینه‌های زندگی کارکنان وکارگزاران، به آثار اصلاحی این کار وتأثیر آن در پیشگیری وجلوگیری از انواع فساد وانحراف اشاره می‌کند(نهج البلاعه/ نامه ۵۳).

۱۰– عدالت واز بین بردن تبعیض

یکی از روشی مبارزه، برقراری نظام مبتنی برعدالت واز بین بردن انواع تبعیض وبی-عدالتی است، عدالت به عنوان یکی از اصول اداره امور نقش تعیین کننده ای برای رشد و پیشرفت جامعه دارد، اگر بر این اصل مهم توجه جدی نشود، زمینه مناسبی برای پدید آمدن و رشد انواع مفاسد خواهد شد.

معنای عدالت این است که هرکس وهرچیز درجای مناسب خود قرار گیرد و امتیازات و تفاوتی که وجود دارد؛ برمبنای صلاحیت وشایستگی باشد نه براساس علاقه‌ها، روابط

و وابستگی تا همگان بتوانند از امکانات و منابع موجود استفاده کنند. معنای عدالت در انتخاب وانتصاب آن است که مسؤلیت به افرادی که از تخصص وتعهد لازم برخوردارند و شایستگی لازم را دارند سپرده شود وفرصتی شغلی به صورت عادلانه در اختیار افراد قرار بگیرد نه بر ملاک ناعادلانه، مثل روابط خوشاوندی، حزبی.

امیرمؤمنان(ع)که شهید راه عدالت و پایبندی او به اصل عدالت در مدیریت و حکومت سبب بسیاری از مخالفت‌ها و جوسازی برعلیه ایشان شد؛ عدالت را محوری‌ترین کار حکومت و مدیریت می‌داند و برلزوم آن تأکید می‌کند(نهج البلاغه/ للصبحی/٤٢١).

۱۱– پالایش نظام اداری از افراد فاسد.

ازدیگر راه‌های مبارزه ومقابله با فساد و بی‌عدالتی و ارتقای سلامت اقتصادی پالایش نظام از وجودکارگزاران فاسد و ناسالم است. این افراد اضافه براین که خود مبتلا به فسادند ونظام حاکم را به مخاطره می‌اندازند زمینه را برای آلودگی دیگران فراهم می‌کند و آنان را به ارتکاب مفاسد مثل رشوه، اختلاس، کم‌کاری و.... تشویق می‌کند؛ برکناری چنین افرادی از رأس امور وتصفیه سازی افراد خائن از افراد اصلح می‌تواند میزان سلامت نظام اقتصادی را افزایش بدهد.

یکی از راهبردهای اساسی مبارزه بافساد اداری و برکناری چنین کارکنانی در سیره رهبرا ن دین به ویژه امیر مؤمنان علی(ع) وجود دارد. که فساد بزرگ وانحراف اصلی پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) در حکومت و رهبری امت اسلامی اتفاق افتاد وسرمنشأ همه فساد وانحرافات بعدی شد.امام علی(ع) در مورد این واقعه تلخ واین فساد وانحراف بزرگ می‌فرماید« آگاه باشید! به خدا سوگند! ابا بکر، جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پروازکرد (نهج البلاغه، خطبه۳).

۱۲– تقارن اطلاعات

بحث شفافیت اطلاعات که آنرا می‌توان تقارن اطلاعات نامید (بدین معنا که طرفین مبادله کننده به یک اندازه از کیفیت کالا مورد مبادله در بازار اطلاع داشته باشد، و این

عدم تقارن اطلاعات درمبادلات اقتصادی، حرکت ازجامعه سنتی به جامعه مدرن و تخصیصی شدن حرفه شخص متخصص می‌تواند از این تخصص خود به‌عنوان رانت استفاده کرده و قیمتی بیش از هزینه متوسط در قبال کار خود از مشتری مطالبه کند؛ این عدم تقارن اطلاعات در بسیاری از موارد در مبادلات کالا وخدمات در بسیاری از موارد می‌تواند باعث ایجاد رانت برای ارائه کننده کالا یا خدمات باشد.(میالنی و حبیبی، ۱۳۹۵).

نتیجه گیری

کانون اصلی پژوهش حاضر، بررسی پدیدهٔ رانت با تعریف و ویژگی اقتصادی آن شامل سود غیر اقتصادی وباد آورده است که ارزش افزوده حساب نمی‌شود. پدیدهٔ دیگری که بیشتر همزمان با رانت خلق می‌شود، رانت جویی یا هزینه کردن، صرف منابع و انرژی، انجام تلاش‌های فکری و فیزیکی برای بدست آوردن رانت تلقی می‌شود. این مفهوم مقدمه ای برای رانت که به سود ودرآمدی غیر اقتصادی وتولیدی تفسیر شده است.

آنچه در این نوشتار مورد بررسی واقع شد، این بود که رانت و رانتجویی به‌عنوان یک آسیب سیاسی، اجتماعی واقتصادی مطرح است. امیرالمؤمنین(ع) صدها سال قبل با دقت تمام به نفی آن پرداخته و آثارمنفی آن را یاد آور شده است. با توجه به جستجو در متن نهج البلاغه این مطلب بدست آمد،که این کتاب ارزشمند در دوحوزه سیاسی و اقتصادی به نفی رانتخواری پرداخته است،آثار ونتایج منفی رانت‌خواری را درگفتار و عمل نکوهش کرده است. باتوجه به سفارشات و برخوردهای امیرالمؤمنین(ع) با مفسدان نمونه و الگوی تمام و کمال برای حاکمان وسردمداران اسلامی معرفی شده است، اگر برطبق الگویی امام علی(ع) عمل شود در جامه عدالت برقرار خواهد شد.

فهرست منابع

- **قرآن کریم**
- **نهج البلاغه**

۱. اسحاقی، سید حسین، فصلنامه رواق اندیشه،شماره ٤٥، تاریخ انشار، ۱۳۸۸/۸/۱۱.

۲. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۲.

۳. پیتر لانگست ودیگران، برنامه های جهانی مبارزه بافساد، ترجمه: امیرحسین جلالی فراهانی، وحمید بهره مند، مؤسسه منشورات کرامت، تهران، ١٤١٩ ق.

٤. پیترلانگست و دیگران، برنامه جهانی مبارزه با فساد، ترجمه: امیر حسین جلالی فرانی وحمید بهره مند، مرکز پژوهشی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.

٥. جمعی ازنویسندگان، فسادمالی و اقتصادی(ریشه، پیامد، پیشگیری ومقابله)، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد،۱۳۸۲.

٦. خدمتی، ابوطالب، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی.

۷. دادگر، حسن، معصومی نیا، غلام علی، فساد مالی، کانون اندیشه جوان، تهران، ١٣٨٦.

۸. رحیمی، حسن، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳.

۹. رحیمی، حسن، فصلنامه، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹.

۱۰. فرامرزی، فرج پور، موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض فساد، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ۱،۱۳۸۳.

۱۱. فرهنگ معین، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳.

۱۲. محمدی اصل، عباس، جنسیت و رانت خواری، سال هفدهم ، شماره ۲۰۱، مهر ماه ۸۷.

۱۳. مرآت نیا، منصوره، رانت اقتصادی (بهره مالکانه) در طرح توسعه شهری، نشریه مدیریت شهری، ش۱، ۱۳۹۷.

١٤. مشتاق، حسین خان، رانت ، رانت جویی و توسعه اقتصادی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ١٣٨٦

۱۵. میالنی، علیرضا و اصغر حبیبی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۵.

١٦. همدمی، ابوالفضل، فساد مالی و اقتصادی، مرکز مطالعات راهبردی،۱۳۸۳.

۱۷. یوسفی نژاد، علی، رانت خواهی و فساد مالی در اقتصاد ایران، مجله دانشکده علوم انسانی مصباح، ش٦٤، مرداد وشهریور، ۱۳۸۵.